دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آنچه آقایش می‌کند نمی‌داند؛ لکن شما را دوست خوانده‌ام زیرا که هرچه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم. یوحنا ۱۵: ۱۵

دوستی با خداوند

ایدهٔ دوستی بین خداوند و انسان تماماً از خود خداوند سرچشمه گرفته است. آیا ابتدا خداوند در آیه چهاردهم از فصل پانزدهم یوحنا نگفت که: «شما دوست من هستید»؟ بر همین اساس فکر میکنم کمی گستاخانه باشد اگر کسی بگوید «من دوست خداوند هستم». ولی از آنجایی که او ما را دوستان خود اعلام کرد، اگر این رابطه دوستی را رد کنیم یا نادیده بگیریم، عملی انجام داده‌ایم که از بی‌ایمانی نشأت گرفته است.

هر چقدر دوستی و رابطه ما با خداوند عمیق‌تر و بهتر شود، زندگی ما در دنیا راحت‌تر و ساده‌تر خواهد شد. زمانی که دو دوست واقعی در کنار هم بنشینند و از محضر یکدیگر لذت ببرند، انجام تشریفاتی که برای زنده نگاه داشتن یک رابطه لازم است، به حاشیه می‌رود.

تفاوتی عمیق میان داشتن «یک هم‌نشین یا هم‌صحبت» و داشتن «یک دوست» در خانه وجود دارد. ما می‌توانیم با یک دوست صمیمی همچون اعضای خانواده خودمان رفتار کنیم ولی در خانه‌مان حتماً باید از یک هم‌نشین یا هم‌صحبت پذیرایی کنیم.

خداوند دوست دارد که میان او و قومش رابطه‌ای راحت، آرام، به دور از تنش و رفتارهای ناشی از جبر و احترامات جعلی برقرار باشد. دوست حقیقی خداوند می‌تواند برای مدت طولانی در سکوت در حضور او بنشیند و لذت ببرد. اعتماد کامل نیازی به کلمات برای برقراری اطمینان ندارد. چنین کلماتی مدت‌ها قبل به زبان آورده شده‌اند و یک قلب عاشق و پرستش‌گر می‌تواند با آرامش در حضور خداوند قرار گیرد.

## ای پدر آسمانی، برای من افتخار عظیمی است که مرا دوست خود خواندی. کمکم کن که هرگز ارزش والای این رابطه را از نظر خود دور نکنم.

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*